

فراز دوازدهم :

بنیان جامعه و کشور

فَالْجُنُودُ، يَأْذُنُ اللّٰهُ، حُصُونُ الرَّعِيَّةِ، وَزَيْنُ الْوَلَاةِ، وَعِزُّ الدِّينِ،
وَسُبُلُ الْأَمْنِ، وَلَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ. ثُمَّ لَا قِوَامَ لِلْجُنُودِ
إِلَّا بِمَا يُخْرِجُ اللّٰهُ لَهُمْ مِنَ الْخَرَاجِ الَّذِي يَقَوُّونَ بِهِ فِي جِهَادِ
عَدُوِّهِمْ، وَيَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا أَصْلَحَهُمْ، وَيَكُونُ مِنْ وِرَاءِ
حَاجَتِهِمْ ثُمَّ لَا قِوَامَ لِهَذَيْنِ الصَّنَعَيْنِ إِلَّا بِالصَّنْفِ الثَّلَاثِ مِنَ
الْقِصَاةِ وَالْعَمَالِ وَالْكِتَابِ، لِمَا يُحْكَمُونَ مِنَ الْمَعَاقِدِ وَيَجْمَعُونَ
مِنْ الْمَنَافِعِ، وَيُؤْتَمِنُونَ عَلَيْهِ مِنْ خَوَاصِّ الْأُمُورِ وَعَوَامِّهَا. وَلَا
قِوَامَ لَهُمْ جَمِيعًا إِلَّا بِالتُّجَّارِ وَذَوِي الصَّنَاعَاتِ، فِيمَا يَجْتَمِعُونَ
عَلَيْهِ مِنْ مَرَافِقِهِمْ وَيُقِيمُونَهُ مِنْ أَسْوَاقِهِمْ، وَيَكْفُونَهُمْ مِنْ
التَّرْفُقِ بِأَيْدِيهِمْ مِمَّا لَا يَبْلُغُهُ رَفْقُ غَيْرِهِمْ. ثُمَّ الطَّبَقَةُ
السُّغْلَى مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِنَةِ الَّذِينَ يَحِقُّ رَفْدُهُمْ
وَمَعُونَتُهُمْ. وَفِي اللّٰهِ لِكُلِّ سَعَةٍ، وَلِكُلِّ عَالِي الْوَالِي حَقٌّ يَقْدَرُ
مَا يُصْلِحُهُ. [وَلَيْسَ يَخْرُجُ الْوَالِي مِنْ حَقِيقَةِ مَا أَلْزَمَهُ اللّٰهُ مِنْ
ذَلِكَ إِلَّا بِالْإِهْتِمَامِ وَالْإِسْتِعَانَةِ بِاللّٰهِ، وَتَوْطِينِ نَفْسِهِ عَلَى لُزُومِ
الْحَقِّ، وَالصَّبْرِ عَلَيْهِ فِيمَا خَفَّ عَلَيْهِ أَوْ تَقَلَّ].

ترجمه : سپاهیان به اذن خدا ، پناهگاه مردم ، و زینت زمامداران ،
و عزت شریعت ، و راههای تحقق امنیت کشورند ، و امور مردم جز
با سپاهیان استوار نگردد. قوام و پایداری سپاهیان نیز ، جز به خراج
و مالیات رعیت محقق نمی شود ، که با آن برای جهاد با دشمن
تقویت گردند ، و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند ، و
نیازمندی‌های خود را برطرف سازند. سپس این دو گروه یعنی:

سپاهیان و مردم ، جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند ، و آن گروه قضات و کارگزاران دولت، و دبیران حکومتند، که قراردادهای و معاملات را استوار می‌کنند، و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند، و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند. و گروه‌های یاد شده بدون بازرگانان و صاحبان صنایع نمی‌توانند دوام بیاورند، زیرا آنان وسایل زندگی را فراهم می‌آورند، و در بازارها عرضه می‌کنند، و بسیاری از امکانات و وسایل زندگی را با دست خود می‌سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمندان که باید با آنها همکاری و همکاری کرد. برای تمام اقشار گوناگون یاد شده، در پیشگاه خدا گشایشی است، و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر فرمانروایان ، حقی مشخص دارند، و زمامدار در انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موفق باشد جز آن که تلاش فراوان نماید، و از خدا یاری بطلبد، و خود را برای انجام حق آماده سازد، و در همه کارهای آسان و دشوار ، صبور و شکیبا باشد.

شرح :

این فراز از سخنان امام علی (ع) ، یکی از مباحث بنیادین حکومت و سیاست را در جهت تبیین زیربنای اساسی بالندگی یک ملت و توسعه یک کشور ، در بر می‌گیرد.

برخی از دانشمندان فلسفه تاریخ مانند ابن خلدون ، دیدگاه‌های سیاستمداران پیشین را در این زمینه بیان داشته‌اند. ابن خلدون

در "مقدمه" خود ، سخنی را از بهرام و انوشیروان نقل می کند که بر مبنای آن ، ارتش نیرومند و کارگزاران توانا ، موجب شکوه و اقتدار کشور هستند ، و توانمندی و بالندگی ارتش و مدیریت کشور نیز ، وابسته به دارایی و ثروت حکومت است ؛ و دارایی نیز ، به پرداخت مالیات و خراج مردم بستگی دارد ؛ و پرداخت مالیات توسط مردم ، در گرو آبادانی کشور است ؛ و آبادانی کشور نیز ، بر مبنای عدالت اجتماعی استوار است.

اینجانب در کتاب پیامبر نامه ، سخن یادشده را به شرح ذیل به نظم آورده ام :

چنین گفت کسری انوشیروان
ز لشکر بود کشوری پر توان

سپه نیز پویا به دارندگی است
کزش فر و توش و برازندگی است

چو دارایی از باژ آید به دست
فروغش به همیاری مردم است

فزونیی باژ ای تو دانای راز
ز آبادی کشور آید فراز

بُود فرّ آبادی ای پاکزاد
به افروزش مهر تابان داد

بنا بر این ، عدالت و دادگری ، اساسی ترین سنگ بنا و نخستین بنیان یک جامعه سعادت‌مند و یک کشور توسعه یافته را تشکیل می دهد.

بدین جهت ، امام علی (ع) در عبارات فوق ، پس از بیان اقشار جامعه و طبقات زیربنایی آن ، به اهمیت عدالت اجتماعی و رعایت حقوق همه طبقات و رسیدگی به طبقه کم در آمد و آسیب پذیر

جامعه می پردازد و مالک اشتر را به مراعات عدالت در تعامل با
همه مردم و حمایت دولت از مستمندان فرا می خواند.

فراز سيزدهم :

ارتش

قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِإِمَامِكَ ،
وَأَنْغَاهُمْ حَيًّا ، وَأَفْضَلَهُمْ حِلْمًا ، مِمَّنْ يُبْطِئُ عَنِ الْعَضْبِ ،
وَيَسْتَرِيحُ إِلَى الْعِذْرِ ، وَيَرَأْفُ بِالضَّعْفَاءِ ، وَيَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ ،
وَمِمَّنْ لَا يُثِيرُهُ الْعُنْفُ ، وَلَا يَقْعُدُ بِهِ الضَّعْفُ . ثُمَّ الصَّقُ بَدْوِي
الْمُرُوءَاتِ وَالْأَحْسَابِ ، وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ ، وَالسَّوَابِقِ
الْحَسَنَةِ ، ثُمَّ أَهْلَ النَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ ، وَالسَّخَاءِ وَالسَّمَاخَةِ ،
فَإِنَّهُمْ جَمَاعٌ مِنَ الْكَرَمِ وَشُعَبٌ مِنَ الْعُرْفِ . ثُمَّ تَعَقَّدُ مِنْ
أُمُورِهِمْ مَا يَتَفَقَّهُهُ الْوَالِدَانِ مِنْ وَلَدِهِمَا ، وَلَا يَتَفَاقَمَنَّ فِي
نَفْسِكَ شَيْءٌ قَوَّبَتْهُمْ بِهِ ، وَلَا تَحْقِرَنَّ لُطْفَاتِعَاهِدَتْهُمْ بِهِ وَإِنْ
قَلَّ ، فَإِنَّهُ دَاعِيَةٌ لَهُمْ إِلَى بَدْلِ النَّصِيحَةِ لَكَ ، وَحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ .
وَلَا تَدْعُ تَعَقُّدَ لَطِيفِ أُمُورِهِمْ اتِّكَالًا عَلَى حَسِيمِهَا ، فَإِنَّ
لِلْبَسِيرِ مِنْ لُطْفِكَ مَوْضِعًا يَنْتَفِعُونَ بِهِ ، وَلِلْحَسِيمِ مَوْضِعًا لَا
يَسْتَعْنُونَ عَنْهُ . وَلْيَكُنْ أَثَرُ رُؤُوسِ جُنُودِكَ عِنْدَكَ مَنْ وَأَسَاهُمْ
فِي مَعُونَتِهِ ، وَأَفْضَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ جِدَّتِهِ بِمَا يَسَعُهُمْ وَيَسَعُ مَنْ
وَرَاءَهُمْ مِنْ خُلُوفِ أَهْلِيهِمْ ، حَتَّى يَكُونَ هَمُّهُمْ هَمًّا وَاحِدًا فِي
جِهَادِ الْعَدُوِّ ، فَإِنَّ عَطْفَكَ عَلَيْهِمْ يَعْطِفُ قُلُوبَهُمْ عَلَيْكَ . وَإِنْ
أَفْضَلَ فِرَّةَ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةَ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ ، وَظُهُورَ
مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ ، وَإِنَّهُ لَا تَظْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ ، وَلَا
تَصِحُّ نَصِيحَتُهُمْ إِلَّا بِحَيْطَنَتِهِمْ عَلَى وِلَاةِ أُمُورِهِمْ ، وَقِلَّةِ
اسْتِنْقَالِ دُولِهِمْ ، وَتَرْكِ اسْتِنْبَاءِ انْقِطَاعِ مَدَّتِهِمْ . فَاسْتَسْحَ فِي
أَمَالِهِمْ ، وَوَأَصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ ، وَتَعْدِيدِ مَا أَبْلَى دَوُورَ
الْبِلَاءِ مِنْهُمْ ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ أفعالِهِمْ تَهْزُ الشَّجَاعَ ،
وَتُحَرِّضُ النَّكِلَ ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ . ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرئٍ مِنْهُمْ مَا

أَبْلَى، وَلَا تَضْمَنَنَّ بَلَاءَ أَمْرِي إِلَى غَيْرِهِ، وَلَا تُقَصِّرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بَلَائِهِ، وَلَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ أَمْرِي إِلَى أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بَلَائِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا، وَلَا ضَعْفُ أَمْرِي إِلَى أَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بَلَائِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا. وَارْتُدُّ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا يُضِلُّكَ مِنَ الْخُطُوبِ وَيَسْتَتِيهِ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ، فَقَدْ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِقَوْمٍ أَحَبَّ إِرْشَادَهُمْ: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ". قَالَرُّدُّ إِلَى اللَّهِ: الْأَخْذُ بِمُحْكَمِ كِتَابِهِ وَ الرَّدُّ إِلَى الرَّسُولِ: الْأَخْذُ بِسُنَّتِهِ الْجَامِعَةِ غَيْرِ الْمُفْرَقَةِ.

ترجمه : برای فرماندهی سپاهیان خویش کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر (ص) و امام تو بیشتر ، و درستکارتر ، و شکیباتر باشد ؛ از کسانی که دیر به خشم آید، و عذر پذیرتر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را به زانو در نیاورد. آنگاه با مردمان جوانمرد و ریشه‌دار ، و خاندان های نیکوکار و دارای سوابقی شایسته ، و افراد دلاور و سلحشور و بخشنده و بلند نظر همراه باش. زیرا آنان دارای بزرگواری و صاحب خوبی هستند. پس آنان را مورد تفقد قرار بده همانگونه که پدر و مادر به کار فرزندان خود رسیدگی می کنند ، و مبادا آنچه را که آنان را بدان نیرومند می‌کنی در نظرت بزرگ جلوه کند ، و هرگز لطفی که به آنان وعده داده ای را کوچک نشمار - هر چند اندک باشد- ، زیرا نیکی تو ، آنان را به خیرخواهی تو فرا می خواند ، و آنان را نسبت به تو خوش گمانشان می سازد. رسیدگی به امور کوچک

آنان را به خاطر رسیدگی به کارهای بزرگشان وامگذار ، زیرا از نیکی اندك تو سود می‌برند ، و از الطاف بزرگ تو بی‌نیاز نیستند. برگزیده‌ترین فرماندهان سپاه تو باید کسی باشد که از همه بیشتر به سربازان خود مساعدت کند ، و آنان را مورد حمایت مالی قرار دهد ، به اندازه‌ای که برای آنان و خانواده‌هایشان گشایش ایجاد کند ، تا فکر آنان در نبرد با دشمن متمرکز باشد و تنها به يك امر بیندیشند. همانا مهربانی تو نسبت به سربازان، دل‌هایشان را به سوی تو جلب می‌کند. همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدالت در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به رهبر است، و محبت دل‌های رعیت جز با صاف بودن دل‌ها پدید نمی‌آید، و خیرخواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون رهبران قرار گیرند و حکومت بار سنگینی را بر دوش رعیت نگذاشته باشد، و طولانی شدن مدت زمامداری بر ملت ناگوار نباشد. پس آرزوهای سپاهیان را بر آور، و همواره از آنان ستایش کن، و کارهای مهمی که افراد کوشا انجام داده‌اند بر شمار ، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را بر می‌انگیزاند ، و ترسوها را به تلاش بیشتر تشویق می‌کند، انشاء الله. و رنج‌ها و زحمات هر يك از آنان را شناسایی کن، و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذار ، و ارزش کوشش او را ناچیز مشمار. شرافت و بزرگی کسی موجب نگردد که کار کوچکش را بزرگ بشماری، و فرودستی کسی باعث شود که کار بزرگ او را ناچیز بدانی.

اموری را که بر تو مشتبه می شود ، به خدا و رسول خدا (ص) باز گردان ، زیرا خدا برای مردمی که خواسته آنان را هدایت کند فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا و رسول و صاحبان امر که از شما هستند اطاعت کنید، و اگر در چیزی نزاع دارید ، آن را به خدا و پیامبر باز گردانید» . پس باز گرداندن چیزی به خدا ، یعنی عمل کردن به قرآن ، و باز گرداندن به پیامبر (ص) یعنی عمل کردن به سنت او که موجب وحدت است ، نه عامل تفرقه.

شرح :

امام علی (ع) در این فراز از نامه خویش ، به نکات ذیل اشاره می فرماید :

1. شرایط گزینش فرماندهان نظامی

ویژگی هایی را که امیر مؤمنان (ع) برای انتخاب فرماندهان نظامی به مالک اشتر گوشزد می فرماید از این قرار است :

- وفا داری و فرمانبرداری از خدا ، پیامبر (ص) و پیشوای جامعه.
- درستکاری و صداقت.
- شکیبایی و استقامت.
- بردباری و گذشت.
- عطوفت با ضعیفان و اقتدار در برابر زورگویان.
- خویشتن داری و پشتکار.
- جوانمردی و ریشه دار بودن.
- خوشنام بودن و خوش سابقه بودن.
- دلاوری و سلحشوری.

- بخشندگی و بلند نظری.

2. وظائف فرمانده کل ارتش

مسئولیت فرمانده کلّ قوا در برابر فرماندهان و سربازانش به این شرح است :

- تفقّد و رسیدگی دقیق و مداوم و مهربانانه به امور فرماندهان و رزمندگان.

- پرهیز از منت نهادن بر آنان.

- عمل کردن به همه وعده های داده شده به آنان.

- لزوم تیزبینی و آگاهی نسبت به همه امور کوچک و بزرگی که در ارتش می گذرد و رسیدگی به همه آن ها.

3. معیار های ارزشیابی کار فرماندهان نظامی

موازیابی که امام (ع) در اینجا به آنها اشاره می فرماید ، از این قرار است :

- حمایت مالی و حقوقی فرماندهان از سربازان و رزمندگان تحت امر خود ، به نحوی که کاملاً آن ها را بی نیاز کند.

- رسیدگی به خانواده ها و افراد تحت تکفل آنان که در پشت جبهه هستند ، به طوری که آنان فکر دیگری غیر از دفاع از مرز و بوم کشور نداشته باشند.

- به دست آوردن دل آنان و جلب محبت ایشان نسبت به فرماندهی.

- مراعات عدل و انصاف در تفویض وظایف و مسئولیت های نظامی.

-

4. مسئولیت حاکم اسلامی در برابر نظامیان

وظایف حکومت در برابر نظامیان از این قرار است :

- بر آوردن آرزوی فرماندهان و رزمندگان.
- ستایش فتوحات و موفقیات های آنان.
- تشویق افراد شجاع و دلاور سپاه و تقدیر از فداکاری های آنان.
- پرهیز از بی عدالتی و تبعیض در برشمردن خدمات افراد پرتلاش و ترفیع درجه آنان.

5. لزوم اطاعت فرمانروا از خدا ، پیامبر و امام

در پایان این فراز ، امام علی (ع) ، مالک اشتر را به لزوم اطاعت از فرمان پروردگار ، رسول خدا و امام و پیشوای جامعه فرا می خواند و نسبت به خود سری و خود محوری در مسائلی که مورد تردید هستند ، بیم می دهد.

فراز چهاردهم :

قوه قضائیه

ثُمَّ اخْتَرَ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ، مِمَّنْ لَا تَصِيْقُ بِهِ الْأُمُورُ، وَلَا تَمَحِّكُهُ الْخُصُومُ وَلَا يَتِمَادَى فِي الزَّلَّةِ وَلَا يَحْضُرُ مِنَ الْغَيِّءِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ، وَلَا تُشْرَفُ نَفْسُهُ عَلَى طَمَعٍ، وَ لَا يَكْتَفِي بِأَدْنَى قَهْمٍ دُونَ أَقْصَاهُ؛ وَ أَوْقَفَهُمْ فِي الشُّبُهَاتِ، وَآخَذَهُمْ بِالْحُجَجِ، وَأَقْلَبَهُمْ تَبَرُّمًا بِمُرَاجَعَةِ الْخَصْمِ، وَأَصْبَرَهُمْ عَلَى تَكْشُفِ الْأُمُورِ، وَأَصْرَمَهُمْ عِنْدَ اتِّصَاحِ الْحُكْمِ، مِمَّنْ لَا يَزِدُّهُ إِطْرَاءٌ، وَلَا يَسْتَمِيلُهُ إِعْرَاءٌ، وَ أَوْلَيْكَ قَلِيلٌ. ثُمَّ أَكْثَرَ تَعَاهُدَ قَضَائِهِ، وَافْسَحَ لَهُ فِي الْبَدَلِ مَا يُزِيلُ عِلَّتَهُ، وَتَعَلَّ مَعَهُ حَاجَتَهُ إِلَى النَّاسِ، وَأَعْطَاهُ مِنَ الْمَنْزِلَةِ لَدَيْكَ مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ، لِيَأْمَنَ بِذَلِكَ اغْتِيَالَ الرَّجَالِ لَهُ عِنْدَكَ. فَانْظُرْ فِي ذَلِكَ نَظْرًا بَلِيغًا، فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ، يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَى، وَتَطْلُبُ بِهِ الدُّنْيَا.

ترجمه : سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسی که امور محاکمه ها ، او را به ستوه نیاورد، و برخورد شاکیان و متهمان با یکدیگر او را خشمگین نسازد، و در اشتباهاتش اصرار و پافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، و حرص و طمع در وجود او نباشد ، و برای شناخت مطالب به تحقیقات اندک اکتفا نکند ، و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کند، و بیش از دیگران به ادله و براهین

تمسک جوید ، و از مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود، و در کشف امور از همه شکیباتر باشد ، و پس از آشکار شدن حقیقت، از همه قاطع تر باشد، کسی که ستایش و تملق دیگران او را فریب ندهد، و ترغیب و تطمیع دیگران او را منحرف نسازد ؛ و چنین کسانی بسیار اندکند. سپس ، هر چه بیشتر قضاوت‌های او را مورد نظارت و رسیدگی قرار بده ، و حقوق او را به اندازه ای بده که نیازهای او را بر طرف گرداند و به مردم نیازمند نباشد، و از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرامی دار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند، تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد. در آنچه بیان شد ، نیک بنگر ؛ زیرا این دین در دست تبهکاران اسیر گشته بود، که با نام آن به هوای نفسانی عمل می کردند و دنیای خود را طلب می نمودند.

شرح :

در این بخش از سخنان مولای متقیان (ع) به دو موضوع ارزشمند در باب قضا و دادرسی ، اشاره شده است :

الف - شرایط قاضی و مسئولان قوه قضائیه.

ب - وظایف حکومت در برابر قاضی صالح.

از آنجا که منصب قضاوت ، یکی از حساس ترین مناصب در نظام حکومتی است ، و با مال و جان و ناموس مردم در ارتباط است ،

امام علی (ع) ، اوصاف و شرایط قاضیان شایسته را بدین شرح معرفی می فرماید :

- برخورداری از حدّ اکثر لیاقت علمی برای منصب قضاوت ، به نحوی که برترین فرد برای این کار باشد.
- صبوری و شکیبایی در امر محاکمه ها .
- خود داری از خشم و غضب در جریان قضاوت.
- پیشگیری از اشتباه و خطا در امر قضاوت.
- شجاعت در پذیرش حق در صورت اثبات آن.
- منزّه بودن از حرص و طمع.
- انجام تحقیقات مستوفا و کامل در جهت کشف حقایق.
- به کار بستن دلایل استوار و براهین مستحکم در امر محاکمه.
- قاطعیت لازم برای اجرای احکام ، پس از اثبات قطعی با ادلّه یقین آور و غیر قابل خدشه.
- فریفته نشدن در برابر تملّق و تعاریف دیگران ، یا ترغیب و تطمیع آنان.

روشن است که در صورتی یک قاضی می تواند با شجاعت و شهامت و با فراغ بال و آرامش خاطر و اتّکاء بر دلایل و براهین صحیح به امر قضاوت بپردازد ، که حمایت و پشت گرمی لازم را از سوی بالاترین مقام کشور ، در کنار خود داشته باشد.

بدین جهت ، امیر مؤمنان (ع) پس از بیان شرایط قاضیان شایسته ،
وظایف و مسئولیت های حاکم اسلامی را در برابر قاضیان دادگر و
صالح ، چنین بر می شمارد :

- نظارت بر دستگاه قضایی کشور و رسیدگی به قضاوت های
انجام شده.
- تامین مالی قاضیان و مسئولان دادرسی کشور ، به نحوی که
به هیچکس در این زمینه ، نیازی نداشته باشند و به سراغ
گرفتن رشوه نروند و تحت تاثیر تطمیع دیگران قرار نگیرند.
- حمایت معنوی و صیانت از مقام و موقعیت آنان ، برای جلوگیری
از سعایت ها و تهدید های دیگران و یا نفوذ قدرتمندان در آن ها.

فراز پانزدهم :

قوه مجریه

ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عُمَالِكَ، فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِياراً وَلَا تُؤَلِّمْهُمْ مُحَابَاةً وَأَثَرَةً، فَإِنَّهُمَا جِمَاعٌ مِنْ شَعَبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ. وَتَوَخَّأَ مِنْهُمْ أَهْلَ النَّجْرَةِ وَالْحِيَاءِ، مِنْ أَهْلِ النُّبُوتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ، فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَحْلَاقًا، وَأَصْحُ أَعْرَاضًا، وَأَقْلُ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَافًا (إسرافاً) ، وَأَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا. ثُمَّ أَسْبَغَ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ، وَغِنَى لَهُمْ عَنْ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ، وَحُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَغُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَانَتَكَ. ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ، وَأَبْعَثَ الْعُيُونََ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَقَائِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ. وَتَحَقَّقْ مِنَ الْأَعْوَانِ، فَإِنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ، اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ (يديه) ، وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَدَلَّةِ، وَوَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ، وَقَلَّدْتَهُ عَارَ التُّهْمَةِ.

ترجمه : آنگاه ، در امور کارگزارانت بیندیش، و پس از امتحان آنان، به کارشان بگمار، و به صورت مستبدانه و بدون مشورت با دیگران آنان را مسئولیتی نبخش ، زیرا این امر ، نوعی ستمگری و خیانت است. آنان را از میان افراد با تجربه و با حیا، از خاندانهای شایسته و با سابقه در اسلام انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی تر، و آبرویشان محفوظ تر، و طمع و روزی‌شان کمتر، و آینده نگری آنان بیشتر است. سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و از اموال بیت المال

که در زیر دستشان است بی نیاز می گردند ، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند. سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار، که مراقبت پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت داری و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم خیانت او را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را کیفر کن، و آنچه از اموال که از عمل خود گرفته از او باز پس گیر، سپس او را خوار ساز ، و به عنوان خیانتکار معرفی کن ، و طوق ذلت و بد نامی به گردنش بیفکن.

شرح :

در این فراز نیز ، امام علی (ع) به سه امر اساسی در تشکیل کابینه دولت و انتصاب دیگر کارگزاران حکومت و اداره امور اجرایی کشور ، اشاره می فرماید :

- 1- معیارهای گزینش کارگزاران.**
- 2- حمایت از مسئولان اجرایی و رفع نیازهای مادی آنان.**
- 3- کنترل و نظارت بر عملکرد آنان.**

شرایط انتخاب کارگزاران از دیدگاه امیر مؤمنان (ع) بدین شرح است:

- تخصص ، لیاقت و کاردانی در امور محوله ، به نحوی که در امتحانات لازم ، موفق شوند.
- داشتن تجربه در زمینه کاری که برعهده آنان گذاشته می شود.
- تعهد و تقوا.
- داشتن سوابق روشن و مثبت.
- داشتن اخلاق زیبا و بزرگ منشی.
- سلامت نفس و پرهیز از حرص و طمع.
- بلند نظری و آینده نگری.

پس از بیان شرایط کارگزاران ، امام علی (ع) به مالک اشتر توصیه می فرماید تا آنان را از اندیشه سوء استفاده از بیت المال باز دارد. و این امر در صورتی عملی خواهد بود که حکومت ، مخارج معاش آنان را به صورت مکفی تامین نماید.

در پایان این فراز ، امیر مؤمنان (ع) ، ضرورت کنترل و نظارت بر مدیران قوه مجریه را یاد آور می شود و کیفر دادن مجرمان و متجاوزان به حقوق مردم و بیت المال را مورد تاکید قرار می دهد.

فراز شانزدهم :

نظام مالیات

وَتَفَقَّدُ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ، فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَصَلَاحِهِمْ
صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ، وَلَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ، لِأَنَّ
النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَأَهْلِهِ. وَتَبْكَرُ نَظْرَكَ فِي
عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ
لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ، وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أُخْرِبَ
الْبِلَادَ، وَأَهْلَكَ الْعِبَادَ، وَلَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا. فَإِنْ شَكُوا
بِقَلَّةِ أَوْ عِلَّةِ أَوْ انْقِطَاعِ شَرِبٍ أَوْ بَالَةٍ أَوْ إِحَالَةِ أَرْضٍ اعْتَمَرَهَا
عَرَقٌ أَوْ أَحْجَفَ بِهَا عَطَشٌ، خَفَّتَ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجَوْا أَنْ يَصْلِحَ
بِهِ أَمْرُهُمْ، وَلَا يَثْقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّتَ بِهِ الْمَوْوَنَةُ عَنْهُمْ،
فَإِنَّهُ دُخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ، وَتَرْزِينِ وَلَايَتِكَ،
مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنًا تَنَائِهِمْ، وَتَبَجُّحِكَ بِاسْتِغْفَاةِ الْعَدْلِ
فِيهِمْ، مُعْتَمِدًا فَضْلَ قُوَّتِهِمْ بِمَا دَخَرْتَ عِنْدَهُمْ مِنْ إِحْمَامِكَ
لَهُمْ، وَالنِّقَّةِ مِنْهُمْ بِمَا عَوَّدْتَهُمْ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ وَرَفْقِكَ بِهِمْ،
فَرُبَّمَا حَدَّثَ مِنَ الْأُمُورِ مَا إِذَا عَوَّلْتَ فِيهِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ
اِحْتِمَالُوهُ طَيِّبَةً أَنْفُسُهُمْ بِهِ، فَإِنَّ الْعُمَرَانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ،
وَإِنَّمَا يُؤْتَى خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَارِ أَهْلِهَا، وَ إِنَّمَا يُعَوِّزُ أَهْلُهَا
لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوُلَاةِ عَلَى الْجَمْعِ، وَسُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ،
وَقَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعِبَرِ.

ترجمه : نظام مالیات را به گونه‌ای مورد توجه قرار بده که به صلاح
مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی نظام مالیات و مالیات دهندگان،
عامل اصلاح امور دیگر اقشار مردم است ، و تا امور مالیات دهندگان

اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد یافت ، زیرا همه مردم وابسته به مالیات و مالیات دهندگانند. باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری مالیات و خراج باشد ، زیرا خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی به دست آورد، کشور را خراب ، و بندگان خدا را هلاک می کند ، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نمی آورد. پس اگر مردم شکایت کردند از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی، یا خشک شدن آب چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، یا خشکسالی، پس در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد، و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد ؛ زیرا این کار ، اندوخته‌ای است که در آبادانی کشور تو ، و آراستن ولایت به تو باز می گردانند ؛ علاوه بر اینکه رعیت تو را می‌ستایند، و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد، و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد، بدانچه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی، و با گسترش عدالت در بین مردم، و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت، آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت، زیرا عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی صاحبان آنها است، و تنگدستی آنان ، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان بد گمان هستند ، و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند.

شرح :

این فراز از سخنان امام علی (ع) ، یکی از زیبا ترین و مترقی ترین اندیشه های کشور داری است ، که مدیران کشورهای توسعه یافته امروز ، به اهمیت آن پی برده اند و اصول آن را در ممالک خویش ، پیاده ساخته اند. این عبارات موجز ، توجه امیر مؤمنان (ع) را به امر "توسعه اقتصادی" نشان می دهد.

مقصود ما از توسعه اقتصادی عبارت است از:

" فرایند رشد اقتصادی و ارتقاء فنی و سازمانی در عرصه تولید ، و تخصیص منابع مادی و انسانی ؛ همراه با عدالت توزیعی و کاهش نابرابری " .

بر این اساس ، " توسعه اقتصادی " مفهومی فراتر از " رشد اقتصادی " است و علاوه بر اهتمام به شاخصهای کمی مانند تولید ناخالص ملی و داخلی ، به بررسی تغییرات ساختاری در زمینه کیفیت انجام تولید و تخصیص منابع می پردازد و در عین حال ، با تکیه بر تأمین اهداف اجتماعی ، تداوم رشد اقتصادی را تضمین می کند.

امام (ع) در این سخنان همیشه جاوید خود ، در جهت توسعه اقتصادی ، بر روی چند مسأله به صورت همزمان تأکید می ورزد :

1. اهمیت نظام مالیاتی و نقش بنیادین آن در اداره امور جامعه.

2. بیان این حقیقت اقتصادی که نظام مالیاتی بدون آبادانی کشور و اهتمام به وضعیت تولید ، نمی تواند نتیجه مثبت و مستمری داشته باشد.

3. لزوم تخصیص عادلانه سهم مالیاتی برای مردم و تخفیف مالیات کسانی که کسب آنان دچار خسارت یا رکود شده است.
4. تلاش در جهت ارتقاء سطح تولید و افزایش درآمد مردم ، تا نفع این حرکت زیربنایی ، به صورت غیر مستقیم به حکومت باز گردد.
5. ضرورت مراعات رضایت مردم و حفظ افکار عمومی در تدوین نظام مالیاتی.
6. تاکید بر حمایت جدی دولت از کشاورزان در جهت توسعه زراعی و بالا بردن حاصل خیزی زمین ها و ارتقاء سطح تولید ارزاق.

اهمیت توسعه اقتصادی

با مطالعه فلسفه تاریخ تمدن‌ها روشن می گردد که توسعه اقتصادی، یکی از اصول اساسی کرامت ، استقلال و پویایی جامعه است و بدون دستیابی به این موهبت بزرگ، امکان رسیدن به مقام توسعه ملی وجود ندارد و تمامیت سیاسی ، شئون ملی ، مبانی فرهنگی و بنیانهای اجتماعی نیز، در معرض خطر قرار می گیرند.

بنا بر این ، اهتمام ورزیدن به امر توسعه اقتصادی ، از مهمترین اولویتهای جامعه محسوب می شود و افزایش تلاشهای دولت و نهادهای اقتصادی کشور را در این زمینه می طلبد.
